



## دعای اصرار به درخواست از خدای تعالی

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْإِحْمَاحِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى

از دعاهاى امام عليه السلام است در اصرار به (درخواست از) خدای تعالی

يَا اللَّهُ الَّذِي لَا يَمُنُّ عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَكَيْفَ يَمُنُّ عَلَيْكَ يَا إِلَهِي - مَا أَنْتَ خَلَقْتَهُ

ای خداوند یکتایی که در آسمان و زمین چیزی بر تو پوشیده نیست و چگونه تواند - ای خدای من - چیزی که خود آن را آفریده ای بر تو پوشیده ماند،

وَكَيفَ لَا تُحْصِي مَا أَنْتَ صَنَعْتَهُ أَوْ كَيْفَ يَغِيبُ عَنْكَ مَا أَنْتَ تُدَبِّرُهُ

یا چگونه شمار نتوانی کرد آنچه خود آن را پدید آورده ای، یا چگونه از تو پنهان تواند ماند آنچه تدبیر کار او به دست توست،

أَوْ كَيْفَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَهْرُبَ مِنْكَ مَنْ لَا حَيَاةَ لَهُ إِلَّا بِرِزْقِكَ

یا چگونه از تو تواند گریخت آن که اگر روزی اش ندهی زنده نخواهد بود،

أَوْ كَيْفَ يَنْجُو مِنْكَ مَنْ لَا مَذْهَبَ لَهُ فِي غَيْرِ مُلْكِكَ

یا چگونه از چنبر فرمان تو تواند رست آن که راهی جز حیطة فرمانروایی تو اش در پیش نیست.



سُبْحَانَكَ أَحْسَى خَلْقِكَ لَكَ أَعْلَمُهُمْ بِكَ وَأَخْضَعُهُمْ لَكَ أَعْمَلُهُمْ بِطَاعَتِكَ وَأَهْوَنُهُمْ عَلَيْكَ مَنْ أَنْتَ  
تَرْزُقُهُ وَهُوَ يَعْبُدُ غَيْرَكَ

ای خداوند، منزهی تو. از آفریدگانت آن که تو را بیشتر شناسد، بیشتر از تو ترسد و آن که تو را بیشتر فرمان برد، خضوعش در برابر تو بیشتر باشد و آن که تماش روزی دهی و او دیگری را پرستد، در نزد تو از همه کس فرومایه تر است.

سُبْحَانَكَ لَا يَنْقُصُ سُلْطَانَكَ مَنْ أَشْرَكَ بِكَ وَكَذَّبَ رُسُلَكَ وَلَيْسَ يَسْتَطِيعُ مَنْ كَرِهَ قَضَاءَكَ أَنْ يَرُدَّ  
أَمْرَكَ

ای خداوند، منزهی تو. سلطه و قدرت تو را نمی کاهد کسی که به تو شرک آورد و پیامبرانت را به دروغ نسبت دهد. آن کس که خواست تو را خوش ندارد، نتواند فرمانت را نپزیرد

وَلَا يَمْتَنِعُ مِنْكَ مَنْ كَذَّبَ بِقُدْرَتِكَ وَلَا يَفُوتُكَ مَنْ عَبَدَ غَيْرَكَ وَلَا يَعْمُرُ فِي الدُّنْيَا مَنْ كَرِهَ لِقَاءَكَ  
و آن کس که منکر قدرت تو بود، خود را از تو در امان نتواند داشت و آن کس که جز تو دیگری را پرستد، از کیفر تماش گریزی نیست و آن کس که دیدار تو را نخواهد، نتواند تا ابد در دنیا زیستن گیرد.

سُبْحَانَكَ مَا أَعْظَمَ شَأْنَكَ وَأَقْهَرَ سُلْطَانَكَ وَأَشَدَّ قُوَّتَكَ وَأَنْفَذَ أَمْرَكَ

ای خداوند، منزهی تو. چه رفیع است مقام تو، چه قهار است قدرت تو، چه سخت است نیروی تو، چه نافذ است فرمان تو.

سُبْحَانَكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ خَلْقِكَ الْمَوْتَ مِنْ وَحْدِكَ وَمَنْ كَفَرَ بِكَ وَكُلُّ ذَائِقُ الْمَوْتِ

ای خداوند، منزهی تو. مرگ را بر همه آفریدگانت مقرر داشته‌ای: خواه به یکتاییت بپرستند یا نپرستند. همه چشنده شرنگ مرگند



وَكُلُّ صَائِرِ إِلَيْكَ فَتَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

و همه رهسپار سرای آخرت. پس متبارک و متعالی هستی. خدایی جز تو نیست. یکتایی و بی شریکی.

أَمَنْتُ بِكَ وَصَدَّقْتُ رُسُلَكَ وَقَبِلْتُ كِتَابَكَ وَكَفَرْتُ بِكُلِّ مَعْبُودٍ غَيْرِكَ وَبَرِئْتُ مِمَّنْ عَبَدَ سِوَاكَ

به تو ایمان آوردم و پیامبرانت را تصدیق کردم و کتابت را پذیرفتم و به هر معبودی جز تو کافر شدم و از هر کس که جز تو را بپرستد بیزار می‌جستم.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْحَبُ وَأُمْسِي مُسْتَقِيلاً لِعَمَلِي مُعْتَرِفاً بِذُنُوبِي مُقِرّاً بِخَطَايَايَ

بار خدایا، شام را به بامداد می‌آورم و بامداد را به شام می‌رسانم در حالی که عمل خویش اندک می‌شمارم و به گناه خود اعتراف می‌کنم و به خطای خویش اقرار می‌آورم.

أَنَا بِسُرْفِي عَلَى نَفْسِي ذَلِيلٌ عَمَلِي أَهْلَكَنِي وَهَوَايَ أَرْدَانِي وَشَهَوَاتِي حَرَمْتَنِي

بار خدایا، چون پیروی از هوای نفس را از حد گذرانیده‌ام، آفریده‌ای ذلیل. عمل من مرا به هلاکت افکند و هوی و هوس من به تباهیم کشید و شهوات من مرا از کردار نیک محروم داشت.

فَأَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ سُؤَالَ مَنْ نَفْسُهُ لَاهِيَةٌ طُوبَى لِمَنْ غَافِلٌ لِسُكُونِ عُرُوقِهِ وَقَلْبُهُ مَفْتُونٌ

بِكَثْرَةِ النَّعْمِ عَلَيْهِ وَفِكْرُهُ قَلِيلٌ لِمَا هُوَ صَائِرٌ إِلَيْهِ

ای مولای من، از تو می‌خواهم، همانند کسی که آرزوی دور و درازش به لهو و لعب سرگرم داشته و جسمش به سبب تن پروری غافل است و دلش به سبب افزونی نعمت مفتون است و خود درباره آینده‌ای که به سوی آن رهسپار است اندک می‌اندیشد،



## سُؤَالَ مَنْ قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْأَمَلُ وَفَتَنَهُ الْهُوَى وَاسْتَمَكَّتْ مِنْهُ الدُّنْيَا وَأَظْلَمَهُ الْأَجَلُ

همانند آن کس که آرزو بر او چیره شده و هوی و هوس او را فریفته و دنیا بر او تسلط یافته و مرگ بر او سایه افکنده است،

## سُؤَالَ مَنْ اسْتَكْثَرَ ذُنُوبَهُ وَاعْتَرَفَ بِخَطِيئَتِهِ

همانند آن کس که گناه خود بسیار می شمرد و به خطای خود اعتراف می کند،

## سُؤَالَ مَنْ لَا رَبَّ لَهُ غَيْرُكَ وَلَا وَليَّ لَهُ دُونَكَ وَلَا مُنْقِذَ لَهُ مِنْكَ وَلَا مَلْجَأَ لَهُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ

همانند آن کس که پروردگاری جز تو ندارد و جز تو باش دوستی نیست و کسی از خشم تو باش نمی رهند و پناهگاهی جز آستان تو نیست.

## إِلَهِي أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْوَاجِبِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي أَمَرْتَ رَسُولَكَ أَنْ يُسَبِّحَكَ بِهِ وَبِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَتَغَيَّرُ وَلَا يَحُولُ وَلَا يَفْنَى

ای خداوند، از تو می خواهم، به حق خود که بر همگان واجب گردانیده ای و به نام مهین تو که پیامبرت را فرموده ای که تو را بدان نام تسبیح گوید و به عظمت ذات بزرگوار تو که نه کهنه می شود و نه تغییر می یابد و نه فنا می پذیرد،

## أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُغْنِيَنِي عَنْ كُلِّ شَيْءٍ بِعِبَادَتِكَ وَأَنْ تُسَلِّيَ نَفْسِي عَنِ الدُّنْيَا بِمَخَافَتِكَ وَأَنْ تُثَنِّبَنِي بِالْكَثِيرِ مِنْ كَرَامَتِكَ بِرَحْمَتِكَ

که بر محمد و خاندانش درود بفرستی و مرا به نیروی عبادتت از هر چه هست بی نیاز کنی و خوف خویش در دلم افکنی تا محبت دنیا از صحرای دلم خیمه برچیند و مرا به رحمت خود به کرامت و احسان فراوانت بازگردانی.



فَالْيَاكُ أَفْرُو مِنَّا أَخَافُ وَبِكَ أَسْتَعِيْثُ وَإِيَّاكَ أَرْجُو وَلَكَ أَدْعُو وَإِيَّاكَ أَلْجُؤُ بِكَ أَتِيْقُ

بار خدایا به سوی تو می گریزم، از تو می ترسم، به درگاه تو استغاثه می کنم، به تو امید می بندم، تو را می خوانم، به تو پناه می جویم، اعتمادم به توست

وَإِيَّاكَ أَسْتَعِيْنُ وَبِكَ أُوْمِنُ وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ وَعَلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَتَكَلُّ

و از تو یاری می خواهم، به تو ایمان می آورم و بر تو توکل می کنم و به جود و کرم تو متکی هستم.